

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰/۰۹/۰۶

ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۱۲ شهریور ماه [سنبله]

اختلافات کوچکی که به اختلافات بزرگ می‌انجامد

مجلس ارتجاع اسلامی در هفته‌ای که گذشت، کانون کشمکش باندهای درون اسلام‌گرایان حاکم بر ایران بر سر لایحه ارتجاعی موسوم به حمایت از خانواده بود که پس از گذشت دو هفته بحث و اختلاف، نه تنها نتوانستند با یکدیگر به توافق برسند، بلکه نزاع چنان بالا گرفت که یکدیگر را به باد فحاشی گرفتند و چیزی نمانده بود که درگیری فیزیکی رخ دهد.

در اساس، اختلافی جدی بر سر این لایحه میان آن‌ها نیست. باندهای رنگارنگ حکومت اسلامی همگی بر سر این مسئله توافق دارند که برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد خلاف اسلام و مغایر حکومت اسلامی است. بنابراین هر قانونی هم که ناظر بر روابط زن و مرد باشد، لاجرم باید انعکاسی از فرودستی زن باشد.

در این نکته نیز هیچ اختلافی میان آن‌ها نیست که یکی از وظایف "نیکو و پسندیده‌ی" حکومت اسلامی که اجر و ثواب فراوانی هم دارد، تبلیغ و ترویج چندهمسری برای مردان و اشاعه‌ی فحشای اسلامی به نام صیغه است. بر سر این مسئله هم اختلافی با یکدیگر ندارند که مرد، آقا و رئیس خانواده است و زن، فرمانبردار مرد، که وظیفه‌اش رضای نیازهای جنسی مرد، خانه‌داری، مراقبت و پرورش کودکان است. پس اختلافاتی که بر سر این لایحه، به ویژه ۳ ماده آن بروز کرده است، فی نفسه، اختلافی نیست که منجر به این همه کشمکش گردد. در شرایط عادی، هرگز نمی‌توانست مسایلی از این دست، به اختلافات در درون هیئت حاکمه بیانجامد. ریشه و منشأ این کشمکش هم نه واقعاً بر سر اختلافات لاینحل درون باندها، بلکه اوضاع بحرانی جمهوری اسلامی و تضادهای حاد دار و دسته‌های درونی طبقه حاکم است که هر مسئله ولو کوچکی را به نزاعی بزرگ در درون آن‌ها تبدیل می‌کند. کسی که بحث‌های این مجلس ارتجاعی را بر سر لایحه دنبال کرده باشد، می‌داند که ساعت‌ها و روزها بر سر این به

اصطلاح اختلاف، بحث و جدال بوده است که صیغه باید در دفاتر رسمی ثبت بشود یا نشود؟ آیا همه صیغه‌ها باید رسماً ثبت شوند یا برخی از آن‌ها؟

آیا اصلاً فحش‌های اسلامی باید در خفا انجام بگیرد یا علنی گردد؟ آیا سیستم چندمشری مجاز اسلامی باید همچنان غیر رسمی متداول باشد، یا با شرط و شروطی، شکل قانونی و رسمی پیدا کند؟

یک لحظه توجه کنید و بشنوید که اختلاف این مرتجعین بر سر لایحه حمایت از خانواده اسلامی‌شان از چه قماش است. از اصلاح‌طلبان اسلام‌گرا آغاز کنیم که گویا اختلاف‌شان با دیگر باندهای درونی حکومت جدی‌تر است. کواکبیان، رئیس فراکسیون آن‌ها خواهان حذف ماده ۲۲ شد که بر اساس آن، ثبت نکاح موقت یا همان صیغه، تنها در صورت بارداری شدن زن صیغه شده الزامی است و در سایر موارد الزامی نیست. اما این مخالفت از چه روست؟ آیا گروه موسوم به اصلاح‌طلب مخالف صیغه و چندمشری مردان است؟ ابدأ. وی گفت: "مسئله ازدواج موقت در قرآن کریم تأکید شده و ما نیز طرفدار اجرای آن هستیم و اگر بتوانیم اجرای صحیح ازدواج موقت را داشته باشیم، این بهتر از بی بند و باری و زنا است. اما مسئله این است که چرا سری را که درد نمی‌کند می‌خواهیم دستمال ببندیم و آن را شکل قانونی ببخشیم."

او اعتراف می‌کند که گروه‌های اصلاح‌طلب اسلامی هم، همانند گروه اصول‌گرای جمهوری اسلامی طرفدار چندمشری و فحش‌های اسلامی هستند، اما از آن جایی که می‌داند سوازی یک مشت مردان ثروتمند و پولدار و مرتجعین وابسته به حکومت و دستگاه روحانیت، عموم مردم ایران به ویژه زنان، با این حکم اسلامی مخالف‌اند و آن را زشت می‌دانند و تحقیر می‌کنند، تمام حرف‌های این است که کاری نشود که گنبد حکومت اسلامی بیش‌تر درآید. بگذار بی سر و صدا همچون گذشته ادامه یابد و مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار گیرد. سری که درد نمی‌کند، چرا دستمال ببندیم. علی لاریجانی رئیس یک باند دیگر، اما می‌گوید: "ازدواج موقت در انطباق با قوانین الهیست" و باید صراحتاً در لایحه ذکر شود. وی ضمن تأکید بر ضرورت صیغه ادعا کرد که "صیغه می‌تواند از فحشا جلوگیری کند." گویا که صیغه چیز دیگری جز فحشاست که به قیای اسلامی آراسته شده است.

زهره الهیان، زن حزب‌اللهی طرفدار احمدی‌نژاد ادعا کرد که ماده ۲۲، "رسمیت بخشیدن به ازدواج موقت نیست، بلکه نظام‌مند کردن آن در رابطه با حقوق زنان است." وی از ثبت تمام به اصطلاح ازدواج‌های موقت دفاع کرد و افزود: "مخالفت با این لایحه، مخالفت با حقوق زنان و نظام است. پشت صحنه‌ی این جار و جنجال این است که برخی از فعالان حقوق زن می‌خواهند که ایران به کنوانسیون رفع تبعیض بپیوندد." واقعاً چه جنایتی!

علی مطهری، عضو سرشناس یکی از باندهای دیگر، هم موافق صیغه بود و هم مخالف ثبت همه آن‌ها. وی در دفاع از این ماده گفت: "مخالفت با ازدواج موقت، نتیجه تبلیغات غرب‌گراها و رژیم گذشته است. حذف این ماده، مضر به حال جامعه است. آن‌هایی هم که می‌گویند، این ازدواج موقت در همه موارد باید ثبت شود، با ماهیت ازدواج موقت که ازدواج آسان است سازگار نیست." باید بگوییم که این مخالفت نه نتیجه تبلیغات غرب‌گرایان است، بلکه خواست خود زنان از سال‌ها پیش بوده است و هست و نه ربطی به رژیم گذشته دارد. چون در آن زمان هم صیغه آزاد و مجاز بود.

اظهارات نایب رئیس مجلس، مصباحی، خنده‌آورتر از همه بود، آن جایی که گفت، پیشنهادات برخی‌ها مانع از ازدواج چندین میلیون پیردختر و مطلقه خواهد شد. این مرتجع که از سر تا پای اظهاراتش تحقیر و توهین به زنان می‌بارد، ادعا می‌کند که چندین میلیون زن در ایران، آماده‌ی روی آوری به خودفروشی نوع اسلامی آن هستند. مگر تاکنون محدودیتی برای صیغه وجود داشته است که آن‌ها به این اقدام زشت روی نیاورده‌اند؟

سرانجام هم یکی از میان این مجلسیان به نام کوچکزاده، بی‌پرده، ماهیت واقعی صیغه را برملا می‌کند و خیلی صریح و روشن می‌گوید: "صیغه به معنای لذت بردن است و هر کس خجالت می‌کشد، من خجالت نمی‌کشم." نماینده کهگیلویه و بویراحمد هم می‌گوید: "از دواج موقت برای جوان‌هایی است که نمی‌توانند خودشان را نگه دارند و نمی‌خواهند گناه هم بکنند." دیگر صریح‌تر از این نمی‌شود گفت که صیغه همان فحشاست و حکومت اسلامی هم مدافع، مبلغ و مروج آن.

به تمام این اظهار نظرها که دقت کنیم، روشن است که به طور واقعی، اختلاف لاینحلی موجود نیست و تمام این باندها سر و ته یک کیسه‌اند. با این وجود، این اختلافات کوچک میان مرتجعین، چنان بزرگ جلوه می‌کند که به نظر می‌رسد، چیزی نمی‌تواند تصویب شود. رئیس مجلس تصمیم می‌گیرد که ماده‌های بحث‌برانگیز ۲۲، ۲۳ و ۲۴ لایحه را ظاهراً برای بررسی‌های بیشتر، اما در واقع برای حل و فصل پشت پرده آن‌ها، به کمیسیون قضایی ارجاع دهد و ماده ۲۵ در دستور کار قرار می‌گیرد. در همین لحظه اوضاع متشنج می‌شود. دو تن از گروه طرفداران احمدی‌نژاد، جدال لفظی تندی را با لاریجانی آغاز می‌کنند و مانع از ادامه کار مجلس ارتجاع می‌شوند. لاریجانی که بیکه خورده بود، اخطار کرد که توهین نکنید و جلسه را بر هم نزنید، اما زورش نرسید و مجبور شد به آن‌ها اجازه دهد که حرف‌هایشان را که اخطار به رئیس مجلس بود، بزنند. جدال افزایش یافت. رسایی، لاریجانی را متهم به قانون‌شکنی کرد و لاریجانی، رسایی را. در حالی که این جنگ لفظی ادامه داشت و لاریجانی اصرار می‌کرد که به خاطر به بن رسیدن جلسه، این مواد را به کمیسیون ارجاع دادم، در این لحظه نماینده پاکدشت، طرفداران احمدی‌نژاد را یک مشت شعبان بی‌مخ نامید، که اصل مجادله به کنار رفت. باندها آماده درگیری فیزیکی با یکدیگر شدند و به سوی یکدیگر حمله‌ور شدند و عده‌ای دیگر به عنوان واسطه و جلوگیری از درگیری دست به کار شدند. جلسه تماماً به هم ریخت. معضله‌ها به جای خود باقی ماند تا چند روز بعد کمیسیون قضایی دوباره این ماده‌ها را با حکم و اصلاح به صحن مجلس بیاورد.

پوشیده نیست که بالاخره آن‌ها، این لایحه ارتجاعي علیه زنان را تصویب می‌کنند، اما هرگز نمی‌توانند در برخورد منفی توده‌های مردم ایران به ویژه زنان نسبت به رسم ارتجاعي چندم‌سری و صیغه، تغییری پدید آورند. از همان روزی که این لایحه در سال ۸۶ از سوی دولت به مجلس برده شد، زنان ایران قاطعانه آن را محکوم کرده‌اند. تا وقتی که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار باشد، نه فقط بهبودی در وضعیت زنان و حقوق پایمال شده آن‌ها رخ نخواهد داد، بلکه بی‌حقوقی و فشار به زنان افزایش خواهد یافت.

معضل خانواده و فرودستی زن در ایران، با اصلاح، امتیاز و دادن اندکی حقوق به زنان در این جا و آن جا حل نخواهد شد. خانوادگی مردسالار و اسلامی، باید از اساس دگرگون شود. مقدم بر هر چیز زنان باید از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان، رسماً و قانوناً برخوردار گردند. تمام تبعیضات و نابرابری‌های قانونی موجود، از این قوانین جاروب شوند و به دور ریخته شوند. ازدواج‌های اجباری موجود ممنوع گردد و برافند. زنان در انتخاب شریک زندگی خود آزادی کامل داشته باشند و زن و مرد به یکسان از حق جدایی برخوردار گردند. امکانات جامعه در سطح هر چه وسیع‌تر برای استقلال اقتصادی زن به خدمت گرفته شود. رسم و رسومات عقب مانده نظیر مهریه که نشانه‌ای باقیمانده از اعصار پیشین خرید و فروش زنان است و نیز جهیزیه، برافند. زنان با برخورداری از استقلال اقتصادی و انواع حمایت‌های بیمه‌های اجتماعی، دیگر نگران شرایط معیشتی خود نباشند و نیازی به نان‌آور مرد نداشته باشند. با مجموعه این اقدامات است که می‌توان تیشه به ریشه خانوادگی زد که بنیاد آن

بر فرودستی زن و فرمانروایی مرد قرار گرفته است. این جاست راه حل معضل و بن‌بست خانواده اسلامی و مردسالار ایرانی. این است راه حل رهایی زن از ستم جنسی.

دستور اکید هم‌کار ساز نیفتاد

دستور اکید خامنه‌ای به سران قوای سه‌گانه و دیگر مقامات و ارگان‌های دولتی، مبنی بر این که اختلافات دیگر نباید علنی گردد، کمترین تأثیری بر درگیری‌ها و علنی شدن اختلافات درونی جناح‌ها و گروه‌های درونی هیئت حاکمه بر جای نگذاشت. اوضاع به روال پیشین ادامه یافت. جز این هم نمی‌توانست باشد. چرا که اوضاع، عادی و معمولی نیست. جمهوری اسلامی با بحران‌های جدی روبروست و این بحران‌ها جبراً به اختلافات و تضادهای حاد درونی دامن می‌زنند و هیچ قدرتی قادر نیست، با امر و فرمان اکید و غیر اکید آن‌ها را متوقف سازد، یا مانع از علنی شدن آن‌ها گردد.

از همین روست که حتا فرمانبرداران خامنه‌ای نیز نتوانستند امر و نهی وی را اجرا کنند و از همان فردای دستور اکید، آن را نقض کردند.

در این هفته، باز هم مجلس بر سر قضیه دیگری به کانون درگیری مستقیم هیئت دولت و مجلس تبدیل شد. منوچهر متکی، وزیر خارجه‌ی کابینه‌ی احمدی‌نژاد به مجلس فرا خوانده شد تا پاسخ دهد که چرا ماجرای آزادی عوامل جمهوری اسلامی از زندان‌های ایتالیا به تلاش شورای ایرانی خارج از کشور منتسب شده است و نه وزارت امور خارجه که ارگان رسمی رژیم است. اما این جلسه تبدیل شد، به یک جلسه افشاگری علیه کابینه احمدی‌نژاد. منوچهر متکی در پاسخ به این سؤال گفت که این شورای عالی ایرانیان از چند وزیر، تحت ریاست احمدی‌نژاد تشکیل شده و مسئولیت آن هم با رئیس جمهوری است. پاسخ متکی، الیاس نادران را قانع نکرد. وی در بخش نخست صحبت‌های خود بر روی این مسئله تأکید نمود که از قرار معلوم، احمدی‌نژاد دارد در دور و بر خودش ارگان‌های غیر رسمی ایجاد می‌کند که وظایف ارگان‌های رسمی را بر عهده می‌گیرند. به انتصابات جدید وی به عنوان نمایندگان ویژه رئیس جمهوری در مناطق مختلف جهان، از جمله انتصاب مشائی به عنوان نماینده ویژه احمدی‌نژاد اشاره کرد و افزود: "افراد معلوم‌الحالی هستند که این شورا را اداره می‌کنند، یک دفعه همین آقا را بکنند وزیر امور خارجه و قال قضیه را بکنند." نادران ادامه داد و گفت: "برای اجلاس اخیر ایرانیان خارج از کشور که در تهران برگزار شد، ساواکی‌ها و دلال‌های رابطه ایران و آمریکا را دعوت کرده و حقوق معوقه ۳۰ ساله آن‌ها را پرداخت کرده‌اند. این آقا (که منظورش مشائی بود) سال گذشته در سفر نیویورک با سفیر اسبق آمریکا در رژیم صهیونیستی مذاکره کرده است. من به این جریان مشکوکم. بعد هم رئیس جمهور در جمع دانشجویان این موارد را سطحی می‌داند و می‌گوید که گیر دادن به این که پای خانمی به پای یک آقا خورده است چه اهمیتی دارد. آیا نمی‌دانید که در هتل، مهمانان این برنامه، رقص مختلط انجام شده و مشروب سرو کرده‌اند؟ با بودجه بیت‌المال این کارها چیست که می‌کنید؟ مجلس برای این ۵۰ میلیارد تومان باید تحقیق و تفحص کند." در پی این افشاگری از یک سو نزاع میان مجلسیان بروز کرد و از طرف دیگر از جانب دولتیان. وزیر امور خارجه‌ی احمدی‌نژاد، افشاگری نادران را "سفسطه‌گرانه و خارج از موضوع سؤال" توصیف کرد و گفت باید دو کارت زرد به نادران و رئیس مجلس داد که جلو افشاگری را نگرفته است.

دفتر احمدی‌نژاد هم آنچه را که نادران گفته بود تکذیب کرد و وعده داد که مسئله را از طریق قضائی پیگیری خواهد کرد و او را به دادگاه خواهد کشید. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) به پخش یک رشته مصاحبه

از طرفداران احمدی‌نژاد در مجلس مبادرت ورزید که علیه گروه‌های رقیب افشاگری کنند. اما کشمکش به همین جا ختم نشد. مشاور مطبوعاتی احمدی‌نژاد که مدیر عامل ایرنا نیز هست، مقاله‌ای انتشار داد و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت را زیر سؤال برد و آن‌ها را به قانون‌شکنی متهم ساخت. او گفت: "با این بدفهمی‌ها از قانون و اصرار بر وضع قوانین خلاف شرع و مغایر با قانون اساسی، در عمل رئیس‌جمهور نمی‌تواند در پاسداری از اسلام و قانون اساسی پای‌بند بماند و مسئولیت اجرای قانون اساسی را بر عهده گیرد. در این صورت شائبه حرکت به سمت استبداد پارلمانی در جامعه تقویت خواهد شد."

این که استبداد پارلمانی چه صیغه‌ای است بماند. آنچه مسلم است، در ایران مجلس و دستگاه اجرایی هر دو زیر مجموعه‌ها و ابزارهای دولتی در ایران هستند که جمهوری اسلامی نام دارد و هر دو بازوهای این رژیم استبدادی مذهبی‌اند. نزاع اما بر سر استبداد این یا آن ارگان رژیم نیست. نزاعی است میان دو ارگان استبداد بر سر این که کدام یک در شرایط بحرانی کنونی، باید و می‌تواند از قدرت بیش‌تری برای مقابله با بحران برخوردار باشد. احمدی‌نژاد در جهت تمرکز هر چه بیش‌تر قدرت در دستگاه اجرایی رژیم استبدادی تلاش می‌کند و مجلس رژیم استبداد مذهبی هم می‌خواهد در همان محدوده‌ی گذشته قدرت خود را حفظ کند. این است دلیل درگیری و نزاع مدام این دو ارگان که برخلاف ادعا و خواست خامنه‌ای نمی‌توانند آن را غیر علنی سازند، چون قابل مخفی کردن نیست.

وزیر علوم آرزوهای اسلامی‌اش را به گور خواهد برد

پس از ماجرای به توپ بستن مجلس، در این هفته، بحث بر سر با خاک یکسان کردن دانشگاه‌ها بود. طرفداران احمدی‌نژاد که برای پیشبرد اهداف خود در رقابت و نزاع با مجلسیان با تهدید به توپ بستن مجلس توانستند مجلسیان را به عقب‌نشینی وادارند، اکنون با همین پندار که می‌توانند دانشجویان را هم با تهدید به عقب‌نشینی وادارند، قضیه با خاک یکسان کردن دانشگاه‌ها را پیش کشیده‌اند.

وزیر علوم احمدی‌نژاد که تاکنون با تمام سرکوب‌ها، اخراج و تعلیق و زندانی کردن دانشجویان و برکناری استادان مخالف نتوانسته است دانشگاه‌ها را تحت کنترل درآورد و حکومت اسلامی را در آن‌ها مستقر سازد، در این هفته با توپ و تشر در جریان سخنرانی‌اش در دانشگاه علم و صنعت تهدید کرد که اگر دانشگاه‌ها نخواهند آن گونه اسلامی شوند، و در واقع دانشجویان تسلیم نشوند، دانشگاه‌ها را با خاک یکسان خواهد کرد.

او گفت که "دانشگاه باید برای کشور کادرسازی کند" و منظور او از کادرسازی برای کشور، چیزی نبود، جز کادری که نوکر و فرمانبردار حکومت اسلامی باشد. چرا که بلافاصله افزود، دشمنان تلاش می‌کنند فضای اسلامی دانشگاه و ارزش‌های اسلامی را از بین ببرند. لذا اگر دانشگاهی در کشور وجود داشته باشد که در "در آن متدینین و فرهنگ انتظار و بسیج مورد تمسخر قرار بگیرد و صدای اذان در آن به گوش نرسد. روحانی نتواند برای اقامه نماز وارد آن شود. مسجد و نمازخانه مناسب نداشته باشد و مراسم مذهبی در طول سال در آن برپا نشود و به جای آن در چهارشنبه سوری مراسم جشن و پایکوبی برگزار کنند، کشور بر اساس فرمایشات حضرت امام در اختیار دشمن قرار خواهد گرفت" و سپس نتیجه گرفت "همان بهتر که این دانشگاه نباشد. مردم و دانشجویان کشور حتما چنین دانشگاهی را با خاک یکسان می‌کنند." لابد منظور ایشان هم از "مردم و دانشجویان کشور" که قرار است دانشگاه را با خاک یکسان کنند، همان بسیجی‌ها و حزب‌اللهی‌ها، پاسداران و پلیس‌هایی هستند که در یک سال گذشته کارشان سرکوب و کشتار "مردم و دانشجویان" در خیابان‌های شهرهای بزرگ ایران بود.

اما وزیر علوم احمدی نژاد گویا اولاً، فراموش کرده است که جمهوری اسلامی یک بار در سال ۵۹ دانشگاه‌ها را با خاک یکسان کرد. ده‌ها تن از دانشجویان را به قتل رساند. صدها تن را به حبس محکوم نمود. هزاران تن را به همراه استادان مترقی دانشگاه اخراج نمود و دانشگاه‌ها را تعطیل کرد. اما دانشگاه‌هایی که با خاک یکسان شدند، دوباره به پا خاستند و تبدیل به مشکلی شدند که جمهوری اسلامی اکنون دیگر چندین سال است که با آن روبروست. اگر دانشگاه‌ها صد بار هم با خاک یکسان شوند، باز هم از درون آن‌ها دانشگاه اسلامی مطلوب جمهوری اسلامی در نخواهد آمد. چرا که دانشجو با علم سر و کار دارد. آگاه می‌شود و با خرافات دینی و استبداد در ستیز قرار می‌گیرد.

ثانیاً، وزیر علوم نفهمیده است که دانشجویان، نمایندگان مزدور و جیره‌خوار رژیم نیستند که با یک تهدید عقب بنشینند. دانشجویان، انسان‌های آزاده و آگاهی هستند که در نبرد با استبداد و برای آزادی و رهایی مردم، از جان خود نیز دریغ نمی‌کنند و در سراسر دوران موجودیت دانشگاه‌ها در ایران، این حقیقت را نشان داده‌اند. بنابراین با این تهدیدها عقب نمی‌نشینند. اجازه نمی‌دهند که جای دانشگاه، دانشجو و استاد را مسجد، مراسم عزاداری، طلاب دینی و آخوندهای مفت‌خور و مردم‌فریب بگیرند. دانشجویان استوارتر و پیگیرتر از همیشه با نبرد و قهرمانی از سنگر آزادی و مبارزه با استبداد و ارتجاع دفاع خواهند کرد. وزیر علوم رژیم، آرزوهای ارتجاعی اسلامی‌اش را به گور خواهد برد